



محمدعلی ابطخی

امر قابل هراس اعم از مسلمان یا مهاجر، براساس نیازهای سیاسی کشورها شکل می‌گیرد. به این معنا باید برای بررسی هر پدیده‌ای که امروز به موضوع هراس تبدیل شده است، پیش‌زمینه‌ها، نیازها و رفتارهای سیاسی کشورها را بررسی کرد، زیرا اساسا در فضاسازی‌ها علیه یک قوم، نژاد، مذهب یا گروه اجتماعی، بیش از هر چیز باید سویه‌های سیاسی آن فضاسازی را در نظر گرفت. برای مثال اتفاقاتی که در شب سال نو در شهرهای مختلف آلمان ازجمله کلن و هامبورگ روی داد، بهانه‌ای در اختیار جریان راست افراطی این کشور قرار داد تا به‌وسیله آن به انتقاد از آنکلا مرکز، صدراعظم این کشور و سیاست‌های او بپردازند. سیاست مرکز در زمینه بازکردن درهای کشور به روی مهاجران، از همان ابتدا نیز مخالفت‌هایی را در جریان راست افراطی آلمان به همراه داشت. با وجود این، صدراعظم آلمان این تصمیم اخلاقی را نسبت به مهاجران سوری و عراقی اتخاذ کرد. ازسوی دیگر باید به رقابت‌های سیاسی موجود در آلمان برای کسب قدرت توجه کرد. جریان راست افراطی این کشور که به دنبال دستیابی به قدرت است، در جریان تعرض به شهروندان خانم آلمانی در شب سال نو، بهترین فرصت را به دست آورد تا در پوشش

ایجاد هراس، نیاز سیاسی افراط‌گرایان

مهاجریستیزی و مهاجرهراسی، به نقد آنکلا مرکز و سیاست‌های او بپردازد. این در حالی است که اگر نگاهی به فهرست کسانی که دست به این اقدام زده‌اند، بیندازید خواهید دید بخشی از آنها مقیم کشور آلمان و سال‌ها ساکن این کشور بوده‌اند، بخشی دیگر مهاجرانی بوده‌اند که از کشورهای غیراسلامی به آلمان مهاجرت کرده‌اند و بخش سوم مهاجران مسلمان بوده‌اند. اگرچه آنچه در آلمان رخ دهد، اتفاقی ناراحت‌کننده و مذموم است، اما حتی می‌توان با نگاهی بدبینانه تصور کرد این اتفاق با برنامه‌ریزی قبلی گرفته است. اینکه تعرض به زنان آلمانی هم‌زمان در یک شب و به‌صورت گسترده در بسیاری از شهرهای آلمان صورت گرفته، حتی این شبانه را که این اتفاق در راستای تحقق خواسته سیاسی گروهی افراطی برنامه‌ریزی شده است، را تشدید می‌کند. نظیر چنین نگاهی در دیگر کشورهای اروپایی و آمریکایی نسبت به مسلمانان وجود دارد که پس از گسترش حملات تروریستی داعش، بیشتر هم شده است. اسلام‌هراسی‌ای که پس از داعش ایجاد شده است، بسیاری از واقعیت‌ها را نادیده می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین این واقعیت‌ها این است که داعش اگرچه از سوریه و خاورمیانه برخاست، اما امروز مقصد بسیاری از جوانان اروپایی است و بخش عمده‌ای از اعضای کنونی این گروه تروریستی را غیرمسلمانان اروپایی تشکیل می‌دهند که پس از آشنایی و پیوستن به این گروه مسلمان شده‌اند. در کنار این موضوع نباید این واقعیت را فراموش کرد که قدرتمندترین متحدان ایالات متحده آمریکا در منطقه یعنی ترکیه و عربستان سعودی را باید پدیدآورندگان داعش

۲۰۱۶؛ طلیعه پایان بخشی به افراط‌گرایی مذهبی در دنیا

مسلمانان علیه اسلام‌هراسی



در انگلستان هم سخت‌تر شده است. به گزارش «دیلی تلگراف»، قبل از تعطیلات سال نو بود که «اسرا محمد»، دانش‌آموز ۱۵ساله و مسلمان بریتانیایی، خبردار شد برادر و خواهر کوچک‌ترش در مدرسه به‌خاطر مسلمان‌بودنشان مورد تمسخر قرار گرفته‌اند. به‌همین‌دلیل، او سخنرانی‌ای را در زمینه همکلاسی‌هایش آماده کرد و آن را برای همکلاسی‌ها و معلم‌شان قرائت کرد. او در این سخنرانی پنج‌دقیقه‌ای می‌گوید: «من یک خواهر کوچک هفت‌ساله دارم که یک روز در حال گریه به خانه آمد وقتی از او پرسیدم چه شده است، گفت در مدرسه او را به‌خاطر حملات تروریستی در پاریس مسخره می‌کنند. خواهرم می‌گفت دیگر نمی‌خواهد به مدرسه برگردد. برای برادر کوچکم هم همین اتفاق افتاده است و او مورد آزاروادت همکلاسی‌هایش قرار می‌گیرد. همکلاسی‌های برادرم به او می‌گویند دین تو مردم را می‌کشند». اسرا سپس توضیح می‌دهد داعش چگونه می‌خواهد تنش و نفرت بین مسلمانان و غرب را زیاد کند و این کار را از طریق شبکه‌های اجتماعی انجام می‌دهد. او ادامه می‌دهد: «تروریسم هیچ ربطی به دین ندارد. اسلام چهره تروریسم نیست و مسلمانان تروریست نیستند. اما آنچه داعش می‌خواهد، این است که شما چنین فکری کنید. هرکدام از شما که یک حساب کاربری در یکی از شبکه‌های اجتماعی دارید و از طریق آن درباره اسلام‌هراسی صحبت می‌کنید، بدانید باعث تقویت داعش شده‌اید». سخنرانی این دختر ۱۵ساله مسلمان یکی از تأثیرگذارترین صحبت‌ها درباره اسلام‌هراسی است که تاکنون نزدیک به شش هزار بار در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شده است. به تازگی نیز جمعی از جوانان انگلیسی در ویدئویی از مشکلات مسلمان‌بودن در انگلستان گفته‌اند و اینکه چقدر زندگی برای آنها پس از حملات تروریستی داعش به پاریس سخت‌تر شده است. این

دانست. همان‌طور که ترکیه و عربستان سعودی از پدیدآورندگان اصلی القاعده هم بودند. القاعده و داعش برای برآورده‌کردن برخی اهداف کوتاه‌مدت کشورهای منطقه و متحدان اروپایی و آمریکایی ایجاد شدند ولی این گروه‌ها پس از تأمین آن اهداف کوتاه‌مدت متوقف نمی‌شوند و به خشونت خود ادامه می‌دهند. با این حال، تنها واکنش نسبت به شکل‌گیری و ادامه فعالیت این گروه‌های افراطی برخورد رسانه‌ای و تبلیغاتی در قالب گسترش اسلام‌هراسی است. در برابر چنین رویکرد تبلیغاتی‌ای نسبت به داعش می‌توان از کشتار مسلمانان بوسنی یاد کرد. دو دهه پیش ارتش صربستان بیش از هشت هزار مسلمان بوسنیایی را در بوسنی‌وهرزگوین قتل‌عام کرد؛ قتل‌عامی که پس از جنگ جهانی دوم بزرگ‌ترین نسل‌کشی در اروپا محسوب می‌شود. با وجود این، حجم اخبار و اطلاعاتی که درباره این رویداد در رسانه‌ها منتشر شد، قابل مقایسه با حجم اخبار و اطلاعاتی که درباره ترورهای متعدشی می‌شود، نیست. اگرچه قتل‌عام، کشتار و خشونت علیه بشر، توسط هر گروهی انجام شود، مذموم است و باید از آن تحت عنوان جنایت یاد کرد. اما برخورد تبلیغاتی با رویدادهای ضدبشری، بیش از هر چیز نشان‌دهنده تلاش برخی برای بهره‌برداری از آنهاست. ما نباید این واقعیت را انکار کنیم که رفتارهای خشونت‌آمیز و جنایات امروز داعش نسخه دیگری از خشونت صرب‌ها علیه مسلمانان در ۲۰ سال پیش است. این در حالی است که اگر اقدامات زیربنایی برای ریشه‌کن‌کردن افراط‌گرایی صورت گیرد، دنیا جای بهتری برای زندگی‌کردن خواهد بود.

ویدئو به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین ویدئوها در زمینه مبارزه با اسلام‌هراسی شناخته شده است.

اسلام‌هراسی در تلویزیون آمریکا

در آمریکا اسلام‌هراسی پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر گسترش یافت و امسال دوباره پس از اینکه زن‌وشوهری در سن‌برناردینو ایالت کالیفرنیا دست به حمله به یک مرکز بهزیستی زدند، برجسته شد. با وجود این، تلاش‌هایی در این کشور علیه اسلام‌هراسی صورت گرفته است. یکی از این تلاش‌ها را دانشمند مسلمان مصری-آمریکایی «دالیا مجاهد» انجام داده است. او پنجشنبه گذشته به برنامه «دیلی‌شو» (Daily Show) که از شبکه «کمدی سنترال» (Comedy Central) پخش می‌شود، روبه‌روی «تور نوچ» (Trevor Noah) حاضر شد تا درباره اسلام‌هراسی و نقش رسانه‌ها در گسترش این پدیده بحث کند. او در این برنامه توضیح داد سونتقاهم‌های بسیاری در ارتباط با شناخت اسلام و ارتباط آن با افراط‌گرایی و

تروریسم در جامعه آمریکایی وجود دارد. او در این زمینه گفت: «برعکس آنچه در تفکر عامه درباره مساجد وجود دارد، مساجد جایی برای برنامه‌ریزی و سازماندهی سیاسی نیستند. اتفاقا کلاما برعکس مساجد جایی هستند که مسلمانان در آن جمع می‌شوند تا علاوه بر نمازخواندن و عاقرنرد، در فعالیت‌های شهروندی شرکت کنند و این مشارکت اجتماعی باعث بالارفتن روحیه مدرا و اعتدال در مسلمانان می‌شود». او همچنین در این مصاحبه اشاره کرد اگر امروز در جهان این تصور غلط ایجاد شده که همه تروریست‌ها مسلمان هستند، به علت نقش رسانه‌ها در جریان اسلام‌هراسی است و اسلام‌هراسی‌ای که در رسانه‌ها ترویج می‌شود، ارتباطی با واقعیت‌های جهان واقعی ندارد. او همچنین افزود: «رسانه‌ها متوجه این موضوع نیستند اگر اسلام‌هراسی را ترویج کنند، فقط مسلمانان از این اتفاق آسیب نمی‌بینند، بلکه همه مردم از رواج ترس و تنفر در جامعه آسیب خواهند دید. به همین دلیل است که باید علیه تصورات کلیشه‌ای نسبت به هر قوم و نژادی ایستاد». او همچنین تأکید کرد: «پیشنهاد می‌کنم از تعداد تروریست‌های مسلمان آماری تهیه شود و با تروریست‌های دیگر مقایسه شود. اگر این کار را انجام دهید، خواهید دید تروریست‌هایی که گرایش اسلامی دارند در میان سایر تروریست‌ها در اقلیت هستند. البته این اولین‌باری نیست که فقط به‌خاطر گرایش سیاسی، قومی، نژادی یا دینی، گروهی را متهم می‌کنند. قبل از مسلمانان همین کار با رنگین‌پوست‌ها نیز انجام شده است». مجاهد یکی از مسلمانانی است که تلاش‌های بسیاری برای مقابله با اسلام‌هراسی انجام داده است. او درحال حاضر مؤسسه‌ای مشاوره‌ای دارد که در زمینه خاورمیانه و جوامع مسلمانان در تمام دنیا تحقیق می‌کند. در سال ۲۰۱۵، مجاهد از سوی مجله «فوربز» یکی از ۱۰ زن عرب قدرتمند در جهان نام گرفت.

پرداخت بهای مسلمان‌بودن با مسدودشدن حساب بانکی

به‌خاطر آنچه این هلدینگ آن را «ریسک سرمایه‌گذاری» می‌نامید، این نگرانی‌ها را ایجاد کرد. این در حالی بود که این هلدینگ هیچ مدرکی در این زمینه که چرا انجام معاملات بانکی این خیره‌ها برای این هلدینگ ریسک‌زااست، ارائه نکرد. پس از این هلدینگ، بانک‌های دیگری نیز به این‌جریان پیوستند و اوایل سال ۲۰۱۵ بود که HSBC حساب بانکی مؤسسه خیره «ماسلم اید» (Muslim Aid) را مسدود کرد. HSBC در آخرین اقدام، حساب بانکی «اسلامیک رلیف» (Islamic Relief)، بزرگ‌ترین خیریه مسلمان بریتانیا و ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ بانک «کوآپریت» (Co-operative Bank) در اقدامی مشابه حساب خیره «فرنزد او الاقصا» (Friends of al-Aqsa) را مسدود کرد؛ اگرچه این بانک در اعلامیه‌ای عنوان کرد این تصمیم یک تصمیم تجاری بوده است و ربطی به مذاکرات صلح فلسطین ندارد.

اگرچه خیره‌های بزرگی چون ماسلم‌اید و اسلامیک ریلیف از حساب‌های بانکی متعددی استفاده می‌کنند اما این اقدامات می‌تواند شهرت این مؤسسات را خدشه‌دار کند. درباره مؤسسات خیره مسلمان کوچک‌تر، مسدودشدن حساب بانکی می‌تواند موجودیت آنها را به خطر بیندازد. این اقدامات همچنین به تلاش‌های بشردوستانه این خیره‌ها مانند آنچه آنها در حوادث غیرمترقبه بین‌المللی ازجمله سیل انجام می‌دهند، ضربه می‌زند. بسیاری معتقدند این اقدام بانک‌ها را راستای

زاویه

گلوله‌ای برای شادی

اخترمحمد ماکویی: چند ساعت مانده به بازی، خیابان‌ها مملو بود از افرادی که با وجود باران شدید، سوار بر موتورسیکلت دوردور می‌کردند و فریاد شادی سر می‌دادند. بازی بین تیم‌های فوتبال هند و افغانستان بود (فینال جام جنوب آسیا در یکی از شهرهای هند). چند دقیقه بعد از آغاز نیمه دوم، افغانستان گل اول این بازی را زد و در چند نقطه از شهر صدای شلیک شنیده شد. این صدای شلیک سلاح‌هایی بود که افراد مسئول و غیرمسئول دارند که تعدادشان هم کم نیست. نگرانی‌ها درباره افرادی که این سلاح‌ها را حمل می‌کنند، نیز بسیار است. این بار اما هند افغانستان را با همه حواشی‌ای که داور ایجاد کرده بود، برد و دیگر گلوله‌ای برای شادی شلیک نشد.

شلیک هوایی در مواقع شادی افغان‌ها از گذشته‌های دور وجود داشته است. در مناطق دوردست و روستایی هم این رسم، رواج بیشتری داشته. در قدیم چند دهه گذشته) هنگامی که کودکی در یک خانواده روستایی متولد می‌شد، به‌علاوه خانواده وارد زندگی روزمره انسان‌ها شده و حتی سبک‌های مختلفی را بر خود پندira باشد. این روزها ما دیگر با یک پدیده ساده و روزمره مواجه نیستیم، بلکه ما با دنیای سلفی‌ها مواجه شده‌ایم. عده‌ای صرفا آن را محصول یک پیشرفت تکنولوژیک می‌دانند که تنها توانسته امکاناتی متری در اختیار انسان‌ها قرار دهد که قبل از اینشان مهیا نبوده است، اما در طرف دیگر هستند کسانی که این پدیده را چیزی فراتر از یک تغییر ساده تکنولوژیک می‌دانند، ایشان معتقدند این پدیده را باید پاسخی به نارساییسم انسان مدرن تلقی کرد که مدام در حال نمایش خود بوده و تلاش دارد خود را از زوایایی مختلفی ببیند و همچنین به دیگران نشان دهد. این خودشیفتگی که اشتیاقی وافر برای عرضه‌کردن «خود» را رقم زده، نوعی از خوداظهاری را به‌وجود آورده که افراد از طریق آن تلاش دارند دانشا در بهترین و خاص‌ترین حالات ممکن دیده شوند و دیگران آنها را از همان زوایایی که خودش دوست دارند، ببینند. در همین راستا قطعاً نمی‌توان پدیده سلفی را صرفا پیامد یک تکنولوژی جدید یا پیشرفت فناوری دانست، بلکه اتفاقی بس بزرگ‌تر در حال رخ‌دادن است که این اتفاق همانا «تنهانشدن انسان مدرن» است. انسان عصر ما پس از تنهانشدن بود که به یاد آورد باید زین پس به‌تنهایی عکس بگیرد، باید به‌گونه‌ای ایزار باشد که این ابزار امکان تنهاماندن را در اختیار او قرار دهد. انسان‌ها درست در همان زمانی که مقابل لنز دوربین‌هایشان قرار می‌گیرند، در حال ایژه‌شدن در مقابل لنرها هستند. ما گمان می‌کنیم ما به دوربین‌ها نگاه می‌کنیم، اما این در حالی است که ما در این فرایند تنها شیء دیده‌شونده هستیم و خود را در معنای لکانی در معرض دیدمشدن قرار می‌دهیم؛ اینجاست که شکاف میان چشم و نگاه احساس می‌شود و در این فرایند انسان مدرن تنها یک چشم است و نگاه در جای دیگری قرار دارد. به‌واقع در این فرایند پیچیده ما که به یکباره تنها شد‌ایم، تحت سیطره نگاهی قرار می‌گیریم که عشوهِهای بدن را مقابل نگاه لنرها سرکوب می‌کند و در معنای فوکویی اینجاست که بدن آماج حملات قدرت قرار می‌گیرد.

به‌واقع در زندگی امروزی ما، «دیگری» در معنای واقعی خود، غایب است و من امروز به دنبال دیده‌شدن و کسب هویت هستم و این دیده‌شدن است که بخش بزرگی از هویت من را رقم می‌زند، برای همین است که گمان می‌کنم لنزهای دوربین، من را به دیده‌شدن نزدیک خواهند کرد، اما شاید به قول ژان پل سارتر، اینجا «دیگری جهنم است». جهنم است؛ زیرا این دیگری به شما هویتی نمی‌دهد، بلکه شما را آماج سرکوب قرار داده و به شما این ایده را تلقین می‌کند که «من چون دیده می‌شوم، پس هستم» و در این معنا، من دقیقا همانی هستم که او می‌بیند؛ چراکه لنزهای دوربین مانند آینه لکان نیستند که به من هویتی دوباره دهند، بلکه آنها آینه‌هایی دروغین هستند که در پشت آن چشم‌ها و نگاه‌های دیگری قرار گرفته که امکان شناخت من از خودم را از من می‌گیرند و در این فرایند من نمی‌بینم، بلکه تنها دیده می‌شوم و این دیده‌شدن نوعی از دلهره و تنهایی اگزیزتاسن را در فرد زنده می‌کند. درنهایت اینکه این فرایند قطعاً پیامد احتمالی ظهور یک تکنولوژی نبوده است، بلکه تغییر عمیق‌تری در حال رخ‌دادن است، دیگری واقعی در زندگی انسان مدرن به پس پرده‌ها رفته و ما عیایش را با لنزهای دوربین پر کرده‌ایم. شاید دریدا راست گفته باشد، حقیقت آن چیزی نیست که سلفی‌ها تلاش می‌کنند آن را بیان کنند، حقیقت اصلی آن چیزی است که سلفی‌ها به‌واسطه کیفیت و چگونگی خود درصدد پنهان‌کردن آن هستند. در این معنا، ما امروز تحت سیطره لنرها قرار گرفته‌ایم.

یک مفهوم

دیده می‌شوم، پس هستم

حسام محمدی

عکس سلفی پدیده‌ای تقریباً نوظهور، اما فراگیر محسوب می‌شود که این روزها همگان را با خود درگیر کرده است. روزگاری انسان‌ها برای گرفتن یک عکس، به یک «دیگری» نیاز داشتند تا بتوانند چنین عملی را امکان بخشند. این پدیده نوظهور این امکان را برای انسان‌ها به وجود آورد تا بتوانند خودشان از خودشان عکس بگیرند. به عبارتی این پدیده در این معنا، نوعی خوداکتایی را برای انسان‌ها به ارمغان آورد تا بتوانند حتی در خلوت از خودشان تصویری را ثبت کنند.

تا قبل از ظهور پدیده سلفی‌ها، انسان‌ها بیشتر به صورت دسته‌جمعی و با حضور فردی به نام عکاس به ثبت تصاویر می‌پرداختند. در هر جمعی یک نفر غایب می‌شد تا پشت دوربین‌ها قرار بگیرد و تصویری را خلق کند، اما با ظهور این پدیده بود که دیگر لازم نبود فردی از میان جمع پشت دوربین برود؛ این امکان مهیا شده بود که همگان بتوانند به صورت دسته‌جمعی مقابل لنز دوربین قرار بگیرند. نباید از کنار این جابه‌جایی عکاس به‌راحتی عبور کرد. این جابه‌جایی نشان‌دهنده تغییر در نوع نگاه و جایگاه انسان‌های دنیای مدرن است. اما آنچه بیش از همه در این جریان به آن توجه می‌شود این است که هر فردی می‌تواند بدون نیاز به دیگران، از خودش به‌تنهایی عکس سلفی بگیرد و کارش را پیش ببرد. جبرانی که به نظر می‌رسد می‌تواند محصول نوعی از فردگرایی مدرن باشد؛ اگرچه در ظاهر قدر را از وجود دیگران بی‌نیاز کرده، اما از سویی دیگر، فرد به‌شدت به دیگرانی برای دیده‌شدن و تأیید سلفی‌ها نیازمند است.

تمام این امکانات بود که زمینه را مهیا کرد تا پدیده سلفی‌ها به‌سرعت وارد زندگی روزمره انسان‌ها شده و حتی سبک‌های مختلفی را بر خود پندیرا باشد. این روزها ما دیگر با یک پدیده ساده و روزمره مواجه نیستیم، بلکه ما با دنیای سلفی‌ها مواجه شده‌ایم. عده‌ای صرفا آن را محصول یک پیشرفت تکنولوژیک می‌دانند که تنها توانسته امکاناتی متری در اختیار انسان‌ها قرار دهد که قبل از اینشان مهیا نبوده است، اما در طرف دیگر هستند کسانی که این پدیده را چیزی فراتر از یک تغییر ساده تکنولوژیک می‌دانند، ایشان معتقدند این پدیده را باید پاسخی به نارساییسم انسان مدرن تلقی کرد که مدام در حال نمایش خود بوده و تلاش دارد خود را از زوایایی مختلفی ببیند و همچنین به دیگران نشان دهد. این خودشیفتگی که اشتیاقی وافر برای عرضه‌کردن «خود» را رقم زده، نوعی از خوداظهاری را به‌وجود آورده که افراد از طریق آن تلاش دارند دانشا در بهترین و خاص‌ترین حالات ممکن دیده شوند و دیگران آنها را از همان زوایایی که خودش دوست دارند، ببینند. در همین راستا قطعاً نمی‌توان پدیده سلفی را صرفا پیامد یک تکنولوژی جدید یا پیشرفت فناوری دانست، بلکه اتفاقی بس بزرگ‌تر در حال رخ‌دادن است که این اتفاق همانا «تنهانشدن انسان مدرن» است. انسان عصر ما پس از تنهانشدن بود که به یاد آورد باید زین پس به‌تنهایی عکس بگیرد، باید به‌گونه‌ای ایزار باشد که این ابزار امکان تنهاماندن را در اختیار او قرار دهد. انسان‌ها درست در همان زمانی که مقابل لنز دوربین‌هایشان قرار می‌گیرند، در حال ایژه‌شدن در مقابل لنرها هستند. ما گمان می‌کنیم ما به دوربین‌ها نگاه می‌کنیم، اما این در حالی است که ما در این فرایند تنها شیء دیده‌شونده هستیم و خود را در معنای لکانی در معرض دیدمشدن قرار می‌دهیم؛ اینجاست که شکاف میان چشم و نگاه احساس می‌شود و در این فرایند انسان مدرن تنها یک چشم است و نگاه در جای دیگری قرار دارد. به‌واقع در این فرایند پیچیده ما که به یکباره تنها شد‌ایم، تحت سیطره نگاهی قرار می‌گیریم که عشوهِهای بدن را مقابل نگاه لنرها سرکوب می‌کند و در معنای فوکویی اینجاست که بدن آماج حملات قدرت قرار می‌گیرد.

